

## آتش‌بس جنگ ارتجاعی، رسوایی و بر باد رفتن آرزوهای بورژوازی خارج از قدرت

با اعلام آتش‌بس میان رژیم سرمایه‌داری-اسلامی حاکم بر ایران و رژیم صهیونیستی اشغالگر فلسطین و امپریالیسم آمریکای شمالی، تمام آرزوهای جریان‌های بورژوازی خارج از قدرت برای به‌دست‌گرفتن قدرت سیاسی بر باد رفت.

این جریان‌های بورژوازی - ضدانقلابی دارای طیف‌بندی گوناگون هستند، اما در یک نکته با هم توافق دارند: «رژیم‌چنج» با حمایت امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها.

سلطنت‌طلبان در آرزوی بازگشت شکل حکومتی سلطنتی، رضا پهلوی فرزند شاه مخلوع که رژیمش با قیام توده‌ای ۲۲ بهمن سرنگون شد را به‌عنوان رهبر خود مطرح کرده و آشکارا در کنار امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها قرار دارند. رضا پهلوی و سلطنت‌طلبان بی‌پرده و صریح از جنگ امپریالیستی، صهیونیستی و ارتجاعی دفاع کردند. در تظاهرات‌هایشان با پرچم شیر و خورشید، نماد ساواک، و پرچم رژیم صهیونیستی در اروپا و آمریکا جشن و پایکوبی کردند و بر جسدهای کشته و مجروحان توده‌هایی که هیچ منافعی در این جنگ نداشتند و علیه آن بودند، شادی کردند و شعار «داریم می‌رویم به تهران» سر دادند. آنها اکنون در انتظار جنگی دیگر یا همکاری با بخشی از رژیم سرمایه‌داری-اسلامی حاکم بر ایران، مانند سپاه پاسداران، ارتش و دیگر دستگاه‌های سرکوب، برای به‌دست‌گرفتن قدرت سیاسی‌اند.

جریان‌های بورژوازی جمهوری‌خواه مانند «شورای مدیریت گذار»، «اتحاد جمهوری‌خواهان ایران»، «جبهه ملی ایران - اروپا»، «حزب چپ ایران - اکثریتی‌ها»، «سازمان‌های جبهه ملی ایران در خارج از کشور»، «همبستگی جمهوری‌خواهان ایران» و غیره، در ظاهر و در حرف مخالف جنگ ارتجاعی ۱۲ روزه بودند، اما در چارچوب شعارهایی چون «گذار» و «براندازی» از طریق تنش‌ها و جنگ‌های ارتجاعی، در انتظار قرارگرفتن در رکاب امپریالیست‌ها هستند.

جریان‌های بورژوا ناسیونالیست مانند دو سازمان زحمت‌کشان به رهبری عبدالله مهتدی و رضا کعبی، حزب دموکرات کردستان، به‌اصطلاح «حزب کمونیست ایران و کومله» به رهبری ابراهیم علیزاده، پژاک و دیگر گروه‌های بورژوا ناسیونالیست که همواره در آرزوی به‌وجودآوردن مدل کردستان عراق به رهبری اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان (بارزانی) هستند، مانند سلطنت‌طلبان در تلاش برای جلب نظر امپریالیست‌ها، به‌ویژه امپریالیسم آمریکای شمالی و صهیونیست‌ها می‌باشند. دیدارهای اخیر عبدالله مهتدی و دیگر احزاب بورژوازی ناسیونالیست کردستان با نمایندگان کنگره آمریکای شمالی و نشست‌های درونی میان این جریان‌ها در جهت «هماهنگی نیروهای کردستان»، نمونه‌ای از این تحرکات می‌باشند. این احزاب بورژوا ناسیونالیست بنا بر ماهیت طبقاتی‌شان همواره برای به‌دست‌گرفتن قدرت در کنار سرمایه‌داری جهانی قرار داشته‌اند و دارند. حزب دموکرات کردستان ایران نیز تاریخاً و عملاً، بنا بر ماهیت طبقاتی خود،

مذاکره با بورژوازی در قدرت را در دستور کار داشته است، به طوری که چند تن از رهبران آن، از جمله عبدالرحمان قاسملو و شرفکندی، توسط تروریست‌های رژیم اسلامی حاکم بر ایران ترور شده‌اند. این جریانات به صورت علنی و غیرعلنی، در جنگ ۱۲ روزه ارتجاعی، صهیونیستی و امپریالیستی، در انتظار آن بودند که به مثابه پیاده نظام عمل کنند، همانند روندی که در دهه ۹۰ میلادی برای جریانات کورد عراق رخ داد.

جریان بورژوا-اسلامی سازمان مجاهدین خلق بیش از چهار دهه است که نقش آلترناتیو امپریالیستی را ایفا می‌کند و در کنار امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و رژیم‌های ارتجاعی منطقه غرب آسیا (مانند عربستان سعودی و غیره) قرار دارد. این سازمان با هارترین جناح‌های امپریالیستی در آمریکای شمالی و اروپا همکاری کرده و می‌کند و توانسته نظر بخشی از این جریانات را جلب کند. در جنگ ۱۲ روزه ارتجاعی، صهیونیستی و امپریالیستی، سازمان مجاهدین خلق با شعارهای کلی و در چارچوب منافع طبقاتی‌اش، برای جلب توجه سرمایه‌داری جهانی، موضعی به ظاهر مخالف جنگ ارتجاعی اتخاذ کرد و شعارهایی مانند «سرنگونی رژیم آخوندی»، «آلترناتیو سوم» و «نه به مماشات با آخوندها، نه جنگ و دخالت نظامی، بلکه تغییر دموکراتیک به دست مردم و مقاومت ایران است» را در آخرین دیدارهای مریم رجوی در پارلمان اروپا در ژوئن ۲۰۲۵ مطرح کرده است.

حزب به اصطلاح کمونیست کارگری که نام کمونیست و کارگری را یدک می‌کشد، اما در واقع دارای مواضع ضدانقلابی و بورژوایی است و در عمل برای رسیدن به قدرت از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند، در جنگ ارتجاعی اخیر، جنگ را فرصتی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی دانست و موضعی بورژوایی و ضدانقلابی در چارچوب سناریوی سیاه و سفید اتخاذ کرد.

جنگ ۱۲ روزه ارتجاعی، صهیونیستی و امپریالیستی هیچ‌گونه پیوندی با منافع طبقاتی کارگران و توده‌های ستم‌دیده نداشت. این جنگ ادامه سیاست «نظم نوین خاورمیانه» صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها و سیاست قدرت‌طلبی رژیم سرمایه‌داری-اسلامی حاکم بر ایران در غرب آسیاست.

جریانات بورژوازی خارج از قدرت، بنا بر ماهیت طبقاتی‌شان، همانند بورژوازی در قدرت - رژیم سرمایه‌داری-اسلامی حاکم بر ایران - علیه منافع طبقاتی کارگران، زحمت‌کشان و دیگر اقشار اجتماعی که در تقابل با سیستم سرمایه‌داری و رژیم کارگزار آن قرار دارند، عمل می‌کنند.

مبارزه علیه بورژوازی در قدرت - رژیم سرمایه‌داری-اسلامی حاکم بر ایران - جدا از مبارزه علیه بورژوازی خارج از قدرت با طیف‌بندی‌های گوناگون و پیوندهایش با سرمایه‌داری جهانی نیست؛ در واقع این دو مبارزه، لازم و ملزوم یکدیگرند. از این رو، افشا و مبارزه با جریانات وابسته به بورژوازی خارج از قدرت باید به مثابه بخشی از مبارزه طبقاتی، همگام با رشد مبارزه طبقاتی و بر اساس توازن قوا، پی‌گرفته شود و در دستور کار اردوی کار و زحمت قرار گیرد.

زنده باد جنگ طبقاتی-انقلابی کارگران و زحمت کشان علیه بورژوازی در قدرت و خارج از  
قدرت

مسعود کوچک